

The role of thoughtful lifestyle in empowering women heads of Clients' households of Imam Khomeini Relief Committee in Khorasan Razavi province

Samira Pour¹

Received: 9/9/2021

Habibollah Asoodeh Yadaki²

Accepted: 10/2/2022

Abstract

The purpose of this study was to investigate the effect of lifestyle of female headed households in two groups of women in poor and Self-sufficient women under the Imam Khomeini Relief Committee of Khorasan Razavi Province. In this research, a survey method and researcher-made questionnaire were used and the reliability of the questionnaire components was confirmed using Cronbach's alpha coefficient. The statistical population of this study is two groups of females headed households under 60 years of age. The first group includes women who are covered by the Relief Committee and remain in poverty and the second group includes women who have already been poor and are currently self-sufficient. Sampling was done randomly and the sample size was calculated using the Cochran formula and 938 persons were determined. Data were analyzed by SPSS software. The results of statistical tests show that the individual characteristics of female households (self-esteem, social status, literacy, entrepreneurial characteristics and good management) between women's groups are out of poverty and the women's group in the poor is significantly different. Also, among the individual characteristics of individuals, "individual good management" has had a higher priority. The findings of the research show that the lifestyle of women headed by the family leads to the loss of family poverty and Poor lifestyles cause people to survive in poverty and ultimately become trapped in social harm.

Key Words: Thoughtful Lifestyle, Head of Household Women, Empowerment, Women self-sufficiency, Khorasan Razavi Relief Committee

1. Assistant Professor of organizational behavior management, University of Birjand, Iran, Responsible Author: s.pour@birjand.ac.ir

2. PhD student in Economic Sociology and Development, Islamic Azad University, Quchan Branch emdad.asoodeh@yahoo.com

مقاله علمی - پژوهشی

نقش سبک زندگی مدبرانه در توانمندسازی زنان سرپرست خانوار مددجویان کمیته امداد امام خمینی (ره) در استان خراسان رضوی^۱

سمیرا پور^۲

حبیباله آسوده یدکی^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۶/۱۸

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۱/۲۱

مشاهده مقاله منتشر شده: سال ۱۶، شماره ۳

http://www.farhangekhorasan.ir/article_144661.html

چکیده

در حال حاضر مسئله توانمندسازی و خودکفایی زنان سرپرست خانوار یکی از مسائل و دغدغه‌های اجتماعی است که نظام برنامه‌ریزی کشور به‌طور جدی با آن مواجه است. عوامل زیادی می‌توانند در تقویت خودکفایی و کمک به توانمندسازی زنان سرپرست خانوار نقش داشته باشند که یکی از آن‌ها، سبک زندگی مدبرانه است. در این تحقیق تلاش شده است تا به بررسی و تحلیل نقش سبک زندگی مدبرانه زنان سرپرست خانوار در بین مددجویان تحت پوشش کمیته امداد امام خمینی (ره) در استان خراسان رضوی پرداخته شود. گردآوری داده‌ها با روش پیمایشی و با ابزار پرسشنامه محقق‌ساخته انجام شده است. روایی ابزار به کمک متخصصین و پایایی مؤلفه‌های پرسشنامه نیز با محاسبه ضریب آلفای کرونباخ بررسی و تأیید شده است. جامعه آماری مشتمل بر دو گروه از زنان سرپرست خانوار زیر ۶۰ سال از مجموعه مددجویان کمیته امداد امام خمینی (ره) بوده است؛ گروه اول، شامل زنان در فقرمانده (کماکان تحت پوشش) و گروه دوم شامل زنان خودکفا شده (از فقر خارج شده)، بوده است. نمونه‌گیری به صورت تصادفی انجام و حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران محاسبه و تعیین شد. تحلیل داده‌ها به کمک نرم‌افزار آماری SPSS صورت گرفت. نتایج نشان داد ویژگی‌های فردی زنان سرپرست خانوار (خودشناسی

۱. این مقاله برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی با عنوان "تبیین فقر در میان مددجویان کمیته امداد امام-خمینی (ره) استان خراسان رضوی" می‌باشد.

۲. استادیار مدیریت رفتار سازمانی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه بیرجند، نویسنده مسئول.

s.pour@birjand.ac.ir

۳. دانشجوی دکترای جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه، دانشگاه آزاد اسلامی واحد قوچان، ایران.

emdad.asoodeh@yahoo.com

قابلیتی، اجتماعی بودن، سواد اقتصادی، ویژگی‌های کارآفرینانه و حسن تدبیر فردی) بین این دو گروه از زنان دارای تفاوت معنی‌داری است. همچنین از میان ویژگی‌های فردی افراد، حسن تدبیر فردی از اولویت و اهمیت بالاتری برخوردار بوده است. در نهایت اینکه سبک زندگی مدبرانه زنان سرپرست خانوار، موجب رهایی از فقر خانواده شده و سبک زندگی فقیرانه موجب ماندگاری افراد در فقر و نهایتاً گرفتار شدن آنها در دام آسیب‌های اجتماعی شده است.

واژه‌های کلیدی: سبک زندگی مدبرانه، زنان سرپرست خانوار، توانمندسازی، زنان خودکفا، کمیته امداد امام خمینی (ره) خراسان رضوی.

مقدمه

زنان یکی از مهم‌ترین گروه‌های اجتماعی هستند که در پیشرفت اجتماعی و اقتصادی جامعه نقش مهمی دارند (میکانیکی، شیرزور علی‌آبادی و قاسمی، ۱۴۰۰: ۱۸۱). در این بین، رشد جمعیت زنان سرپرست خانوار در دهه‌های اخیر، همراه با طیف وسیعی از مسائل و مشکلات ناظر بر موضوعات اقتصادی، اجتماعی، سلامت و مهارتی، توجه بسیاری از سیاستگذاران و برنامه‌ریزان را به این گروه جمعیتی، معطوف داشته است. شواهد نظری و تجربی موجود در بسیاری از کشورهای در حال توسعه نشان می‌دهد که زنان سرپرست خانوار و افراد تحت تکفل آنها از زمره گروه‌های جمعیتی فقیر محسوب می‌شوند و نتایج بسیاری از پژوهش‌ها در این رابطه گویای آن است که این گروه به‌عنوان بخشی از جامعه با مشکلات فراوانی در مسیر توسعه پایدار مواجه هستند. زنان سرپرست خانوار یکی از عمده گروه‌های فقیر و آسیب‌پذیر جامعه هستند که نبود یا ضعف منابع درآمدی، سرمایه انسانی و اجتماعی و نیز مسائل مربوط به ایفای نقش‌های متعدد را می‌توان از جمله چالش‌های اساسی معیشت و فعالیت آنان نام برد (شریفی و دیگران، ۱۳۸۹: ۱۲۳). این در حالی است که آمارها بیان‌کننده افزایش تعداد زنان سرپرست خانوار است (قوامی، ۱۳۸۵: ۲۳۰؛ شادی‌طلب و گرایبی‌نژاد، ۱۳۸۳: ۵۳). در سال‌های اخیر، سهم خانوارهای زن سرپرست از کل خانوارهای ایرانی روندی صعودی داشته است. توزیع نسبی خانوارهای زن سرپرست که بر اساس سرشماری سال ۱۳۷۵ نزدیک به ۸/۴٪ بوده و در سرشماری ۱۳۹۰ به ۱۲/۱٪ و در سال ۱۳۹۵ به ۱۲/۷٪ از کل خانوارهای کشور رسیده است (عابدی دیزناب،

عباسی و علی‌مندگاری، ۱۳۹۷: ۹۶). همچنین، طبق گزارش‌های مرکز آمار ایران در سال‌های مختلف سرشماری حاکی از افزایش میزان خانوارهای زن سرپرست نسبت به کل جمعیت در ۳۰ سال گذشته است. علاوه بر این، داده‌های خانوارهای زن سرپرست، تعداد واقعی خانوارهایی که از نظر اقتصادی به وسیله زنان اداره می‌شوند - و اکثریت این زنان را مادران تشکیل می‌دهند- نشان نمی‌دهد (قوامی، ۱۳۸۵: ۲۳۰)؛ از این رو در شرایط فعلی، دولت از زنان سرپرست خانوار کشور حمایت می‌کند؛ به‌عنوان مثال، در نظام بودجه‌ریزی و قانون‌گذاری کشور و در تدوین برنامه‌های پنج‌ساله توسعه، این گروه از زنان، همواره مورد توجه بوده‌اند. اگرچه در سه برنامه اول توسعه، توجه به آنان جزو سیاست‌های اصلی نظام برنامه‌ریزی به شمار نمی‌آمد و عمدتاً به شکل حاشیه‌ای و تکمیلی در برنامه‌ها مورد ملاحظه قرار گرفته بودند؛ اما از برنامه چهارم توسعه به بعد رویکرد حمایتی معطوف به این گروه از زنان قوت گرفت. در برنامه پنجم توسعه و در قالب ماده ۲۳۰، توجه به ابعاد معیشتی و اشتغال زنان سرپرست خانوار، به‌عنوان یکی از محورهای ۱۴ گانه این ماده، مورد تأکید واقع شد. با توجه به ازدیاد این گروه از زنان، به دلایل مختلف جمعیت-شناختی و اجتماعی نظیر افزایش مرگ‌ومیر جاده‌ای مردان و همچنین بالارفتن نرخ طلاق در سال‌های اخیر، ضرورت اقدامات دولتی به منظور توانمندسازی و خروج از چرخه فقر و نابسامانی-های اجتماعی برای آنان بیش از پیش احساس شد. در برنامه ششم توسعه کشور (بند ۸۰ ماده ۸۰) نیز به «تهیه و اجرای کامل طرح جامع توانمندسازی زنان سرپرست خانوار طبق قوانین و مصوبات شورای اجتماعی» اشاره و تأکید شده است که نشان‌دهنده اهمیت این موضوع برای کشور است. در بند ۲ ماده ۲ این برنامه نیز توانمندسازی زنان سرپرست خانوار و اشتغال از جمله موضوعات اولویت‌دار و محوری هستند. سیاحی و همایی (۱۳۹۹) بر این باورند که زنان سرپرست خانوار یکی از آسیب‌پذیرترین اقشار جامعه در برابر آسیب‌های اجتماعی هستند و توانمندسازی می‌تواند به آنان در کاهش مشکلات اقتصادی و اجتماعی کمک نماید. قوامی (۱۳۸۵) در مطالعه خود نشان داد که زنان سرپرست خانوار به دلیل نداشتن مهارت، تحصیلات، و آگاهی‌های کافی و در نتیجه نداشتن شغل مناسب، درآمد کمی دارند و برای تأمین اقتصاد خانوار با مشکلات و استرس‌ها و تضادهای شخصیتی بسیاری مواجه‌اند. این زنان از جمله گروه‌های آسیب‌پذیر

اجتماعی هستند که عواملی مثل طلاق، فوت یا اعتیاد همسر، از کارافتادگی او، رهاشدن توسط مردان مهاجر و... موجب آسیب‌پذیرتر شدن این قشر از جامعه می‌شود. این قشر در جامعه با مشکلات فراوان و موانع بسیاری در زندگی روبه‌رو هستند که در کنار مشکلات و مسائل زندگی خود، شهرهای بزرگ نیز آسیب‌های جبران‌ناپذیری را به آن‌ها و به جامعه وارد می‌کنند (شادی-طلب، وهابی و ورمزیار، ۱۳۸۴: ۵). قلی‌پور، رحیمیان و میرزمانی (۱۳۸۷) در مطالعه خود نتیجه گرفتند که زنان سرپرست خانوار به دلیل داشتن نقش‌های متعدد، فرصت آموزش ندارند و معمولاً در مقایسه با سایر زنان از تحصیلات کمتری برخوردارند و بزرگ‌ترین مشکل زنان سرپرست خانوار، مشکل اقتصادی است؛ از این‌رو هر اقدامی برای کاهش این مشکل مفید خواهد بود. نتایج پژوهش جاود و آسیف (Javed & Asif, 2011) نیز نشان دادند که زنان سرپرست خانوار نسبت به مردان سرپرست، بیشتر در معرض فقر قرار دارند؛ این زنان به حمایتی بیشتر نیاز دارند و درصد بیکاری در بین این زنان بیشتر است. حسن‌پور و دیگران (۱۴۰۰) در مطالعه خود که در مورد شناسایی و اولویت‌بندی راه‌های توانمندسازی زنان سرپرست خانوار بود، به این نتیجه رسیدند که از جمله این راه‌ها شامل آموزش تخصصی شغل، آموزش مهارت‌های زندگی، ایجاد بازار، دادن تسهیلات، بیمه و خدمات تأمین اجتماعی، ارائه سبد کالا، تخصیص بودجه بیشتر به سازمان‌ها جهت حمایت از زنان و بهبود رفاه فردی است. همچنین، مشخص شد راه‌های مبتنی بر توانمندسازی شخصی نسبت به کمک مستقیم مالی در اولویت بالاتری قرار دارند.

طرح توانمندسازی زنان سرپرست خانوار از طریق دستگاه‌های حمایتی، از جمله کمیته امداد امام خمینی (ره) اجرا می‌شود؛ اما همواره تأکید شده است که دستگاه‌های حمایتی باید تلاش کنند زمینه خوداشتغالی و ایجاد فعالیت‌های درآمدزا را برای زنان سرپرست خانوار فراهم کنند تا در نهایت، خانوارها بتوانند خودکفا شوند. حمایت از زنان سرپرست خانوار به‌عنوان یکی از گروه‌های آسیب‌پذیر جامعه نیازمند اتخاذ رویکرد توانمندسازی است (شریفی و دیگران، ۱۳۸۹: ۱۳۰). حال در این میان، عوامل زیادی می‌توانند در تقویت خودکفایی و کمک به توانمندسازی زنان سرپرست خانوار نقش داشته باشند که یکی از آن‌ها، سبک زندگی مدبرانه است و مؤلفه‌های

آن شامل خودشناسی قابلیت‌ی، اجتماعی‌بودن، سواد اقتصادی‌داشتن، ویژگی‌های کارآفرینانه-داشتن و حسن تدبیر فردی است. در سبک زندگی مدبرانه، زندگی افراد توسط سرپرست و کلیه اعضای خانواده مدیریت شده و روحیه همکاری، تعاون و همبستگی نزدیکی که مبتنی بر عقل معاش و حسن تدبیر است، حاکم است. سبک زندگی مدبرانه، به شیوه‌ای از زندگی اطلاق می‌شود که اصول اصلی توسعه و پیشرفت که همان تلاش و تدبیر برای نیل به هدف است، توسط افراد یا خانواده برگزیده می‌شود.

با توجه به اینکه اکثر تحقیقات انجام‌شده درخصوص زنان، مبتنی بر عوامل ساختاری است و درخصوص عوامل کارکردی و فردی، کمتر تحقیق و مطالعه‌ای انجام شده است، هدف این پژوهش، بررسی تأثیر سبک زندگی مدبرانه زنان سرپرست خانوار در دو گروه زنان در فقرمانده و زنان خودکفاشده تحت پوشش کمیته امداد امام خمینی (ره) استان خراسان رضوی می‌باشد.

سرپرست خانوار

تعریف مرکز آمار ایران از سرپرست خانوار این است که سرپرست خانوار معمولاً مسئولیت تأمین تمام یا بخش عمده‌ای از هزینه‌های خانوار یا تصمیم‌گیری در مورد نحوه هزینه‌کردن درآمدهای خانوار را بر عهده دارد و زن سرپرست خانوار، زنی است که مسئولیت تأمین تمام یا بخش عمده‌ای از هزینه‌های خانوار یا تصمیم‌گیری در مورد نحوه هزینه‌کردن درآمدهای خانوار را بر عهده دارد (رحیمی، ۱۳۹۹: ۱۷۸).

به‌طور کلی خانوارهای زن سرپرست به سه دسته تقسیم می‌شوند:

۱. خانوارهایی که در آن‌ها مرد به‌طور دائمی حضور ندارد که شامل زنانی می‌شود که به دلیل فوت همسر یا طلاق، سرپرستی خانواده را برعهده دارند یا دخترانی هستند که ازدواج نکرده‌اند و تنها زندگی می‌کنند.

۲. خانوارهایی که مرد به‌طور موقت و به دلیل مهاجرت، مفقودالاثربودن، متواری یا زندانی، سربازی و... غایب است و زن مجبور است به تهیه معاش خود و خانواده اش بپردازد.

۳. خانوارهایی که مرد حضور دارد؛ ولی به دلیل بیکاری، از کارافتادگی، اعتیاد و ... نقشی در امرار معاش خانواده ندارد و زن مسئولیت زندگی را بر عهده دارد (حسن پور و دیگران، ۱۴۰۰، نقل از نازک تبار و ویسی، ۱۳۸۶: ۹۸).

توانمندسازی زنان

مفهوم خودکفایی در سطح خانوار از سوی صاحب نظران به عنوان بخشی از جریان توانمندسازی مطرح شده است. گوتز و سن گاپتا^۱، خودکفایی خانوار را مصداق امنیت در تأمین نیازهای اساسی آن‌ها می‌دانند. توانمندی اقتصادی یا خودکفایی به عنوان زیربنای دستیابی به قابلیت‌ها و توانمندی‌های لازم برای بهبود کیفیت زندگی تلقی شده و مفهوم آن، توانایی در تأمین نیازهای اساسی به صورت پایدار است (Chambers & Conway, 1997: 5) که نتیجه آن، بی‌نیازی خانوار از حمایت‌های مستقیم است. توانمندسازی یعنی افزایش توانایی‌های افراد مورد حمایت؛ به گونه‌ای که آن‌ها به بهترین شیوه بتوانند به حرفه مورد نظر خویش برسند و در آن موفق باشند (توفیقیان فر و دیگران، ۱۳۹۵: ۹۲). خودکارآمدی از نظریه شناخت اجتماعی آلبرت باندورا مشتق شده است. نظریه شناخت اجتماعی مبتنی بر الگوی سه‌جانبه رفتار، محیط و فرد است. بر اساس این نظریه، افراد در یک نظام علیت سه‌جانبه بر انگیزش و رفتار خود اثر می‌گذارند. باندورا معتقد است که انسان‌ها دارای نوعی نظام خودکنترلی و نیروی خودتنظیمی هستند و توسط آن نظام بر افکار، احساسات و رفتارهای خود، کنترل دارند. داشتن دانش، مهارت‌ها و دستاوردهای قبلی افراد، پیش‌بینی‌کننده‌های مناسبی برای عملکرد آینده افراد نیستند؛ بلکه باور انسان درباره توانایی‌های خود در انجام آن‌ها بر چگونگی عملکرد خویش مؤثر است. خودکارآمدی صرفاً داشتن مهارت یا مهارت‌های مربوطه نیست؛ بلکه به داشتن باور به توانایی انجام کار در موفقیت‌های مختلف شغلی اشاره دارد (قربانی، صابرمقدم و جاعرق، ۱۳۹۱).

سبک زندگی

مفهوم سبک زندگی از جمله مفاهیم جدیدی است که محققان حوزه جامعه‌شناسی برای بیان رفتارشناسی افراد بیان می‌کنند. این اصطلاح پیوند نزدیکی با مجموعه‌ای از مفاهیم، از جمله فرهنگ، جامعه، رفتار و شخصیت دارد. این مسئله در خلال دهه ۸۰ میلادی در حوزه علوم اجتماعی و نظریه‌های جامعه‌شناسی مطرح شد. سبک زندگی در حوزه‌ها و محدوده‌های وسیعی نفوذ می‌کند که شامل مدیریت تصمیم‌گیری، اخلاق اجتماعی، ارتباطات گفتاری، کسب‌وکار، الگوی مصرف و مدیریت احساسات است (فعالی، ۱۳۹۴: ۱۰). سبک زندگی سالم، مجموعه انتخاب‌هایی است که فرد بنابر موقعیت اجتماعی خود برمی‌گزیند و این انتخاب‌ها برآمده از موقعیت ساختاری و موقعیت فردی وی است. در حقیقت فرصت‌های زندگی یک شخص، به وسیله موقعیت اجتماعی و ویژگی‌های منزلتی ویژه تعیین می‌شود (شعبان و قویدل، ۱۴۰۰: ۲۰۰). در ادبیات جامعه‌شناسی از مفهوم سبک زندگی، دو برداشت متفاوت شده است؛ برداشت اول به دهه ۱۹۲۰ برمی‌گردد که سبک زندگی، معرف ثروت و موقعیت افراد و به‌عنوان شاخصی برای طبقه اجتماعی است. برداشت دوم از سبک زندگی، تنها در متن تغییرات فرهنگی مدرن و رشد و گسترش فرهنگ مصرف معنا می‌یابد که در آن، سبک زندگی راهی برای تعریف ارزش‌ها و نگرش‌ها یا هویت افراد است که در تحلیل‌های اجتماعی فزونی می‌یابد. بوردیو (Bourdieu, 1984) بیان می‌کند که افراد، سبک زندگی خود را انتخاب می‌کنند؛ اما نه به صورت آزادانه (کردی و هادی‌زاده، ۱۳۹۱: ۲۴). از نظر او سبک زندگی، بیشترین توانمندی را برای ارائه الگوهای رفتاری دارد. سبک زندگی به فرد هویت می‌بخشد و او را در جامعه از سایرین متمایز می‌سازد. زیمل براساس رویکرد جامعه‌شناختی، سبک زندگی را این‌گونه تعریف می‌کند: «سبک زندگی تجسم تلاش انسان است برای یافتن ارزش‌های بنیادی خود در برابر فرهنگ عینی. از نگاه وی، انسان براساس ارزش‌های بنیادی خود، فردیت برتر و نیز صورت‌های رفتاری خویش را برمی‌گزیند. این گزینش براساس سلیقه شکل می‌گیرد و در زندگی عینی، به صورت الگوهای رفتاری به هم پیوسته نمود می‌یابد» (فتحی و مختارپور، ۱۳۹۳: ۱۰۵). به اعتقاد گیدنز^۱ سبک زندگی را می‌توان مجموعه‌ای به نسبت

جامع از عملکردهایی تعبیر کرد که فرد به کار می‌گیرد؛ زیرا رفتارهای فرد نه تنها بیانگر نیازهای او؛ بلکه روایت خاصی از اندیشه و هویت شخصی اوست (فعالی، ۱۳۹۴: ۵۱). گیدنز (۱۳۸۸) بر این باور است که سبک زندگی کردارهایی هستند که به جریان عادی زندگی روزمره تبدیل شده‌اند. با برداشتی که گیدنز از مقوله سبک زندگی دارد، مطالعه سبک زندگی عبارت است از تلاش برای شناخت مجموعه منظمی از رفتارها با الگوهای کنش که افراد آن‌ها را انتخاب می‌کنند و واکنش آن‌ها در زندگی روزمره به واسطه آن‌ها هدایت می‌شود (کردی و هادی‌زاده، ۱۳۹۱: ۲۶).

امروزه دو رویکرد کلی در مورد سبک زندگی وجود دارد: رویکرد جامعه‌شناسانه که بیشتر تحت تأثیر ماکس وبر است و رویکرد روان‌شناسانه که متأثر از آدلر است؛ بنابراین می‌توان تمامی تعاریف فوق را به این صورت خلاصه کرد که سبک زندگی، مجموعه‌ای از الگوهای رفتاری پایدار است که از بینش‌ها، ارزش‌ها، خواسته‌ها و محیط متأثر باشد و به صورت عینی تجلی یابد (فعالی، ۱۳۹۴: ۸۸). هر فردی بر اساس نگرش خود، سبک زندگی خودش را انتخاب می‌کند. هرچند بالاخره شکل‌گیری نگرش‌ها نیز دارای منشأ خاصی است؛ اما در سن بزرگسالی که افراد توانایی تشخیص نامطلوب‌ها و مطلوب‌های یک زندگی را کسب می‌کنند و با اراده خویشان می‌توانند از عدم مطلوبیت زندگی خویش جلوگیری کنند، یقیناً باید نگرش مثبت و کارآمدی در تغییر سبک زندگی خود اتخاذ نمایند؛ بنابراین، این افراد هستند که بر اساس نظام خودکنترلی که در خود دارند می‌توانند بر افکار و اندیشه‌های خود و انتخاب سبک زندگی خویش کنترل داشته باشند؛ مشروط بر اینکه باور درونی خود را در توانایی‌هایشان درک کرده باشند. اگر افراد باور کنند توانایی رهایی خود از چنگال فقر را دارند، طبیعتاً با کار و تلاش مضاعف و با تدبیر نیکوی معیشت خویش، راه نجات از فقر را می‌یابند؛ پس متغیرهایی که بر اساس این نظریه، موجب خودکارآمدی افراد می‌شوند تا بتوانند بر سبک زندگی فقیرانه فائق آیند عبارت‌اند از: دوراندیشی (آینده‌نگری افراد)، خودباوری (شناخت قابلیت‌های خود)، خودارزیابی، جهانی‌اندیشی (بزرگ‌اندیشی)، توانایی واکنش درونی فرد. ریترز می‌گوید: تأکید جامعه‌شناسان رفتارگرا تا اندازه زیادی یک تأکید خردبینانه است. موضوع مورد علاقه آن‌ها، رابطه میان سابقه پیامدهای محیطی و ماهیت رفتار

کنونی انسان‌هاست. آن‌ها می‌گویند که انسان‌ها احتمالاً رفتارهایی را تکرار می‌کنند که در گذشته پاداش‌دهنده بوده است و از تکرار رفتارهایی که در گذشته برایشان گران تمام شده است، خودداری می‌کنند (Ritzer, 2010: 42).

تبیین ارتباط میان متغیرهای تحقیق

دلایل فراوانی وجود دارد که بتوان زنانی را که سرپرستی خانوار را به عهده دارند جزء اقشار آسیب‌پذیر در نظر گرفت؛ از جمله این دلایل می‌توان به فقر و وضعیت اقتصادی نامناسب و مشکلات اجتماعی و فرهنگی این زنان و خانواده‌های آنان اشاره کرد که زنان را در رویارویی با زندگی واقعی مورد تهدید قرار می‌دهد. زنان سرپرست خانوار درآمد متوسط پایین‌تر، دارایی کمتر و دسترسی کمتری به منابع تولید مثل زمین، سرمایه مالی و تکنولوژی نسبت به مردان دارند (Mokomane, 2014: 61). حال آنچه موجب می‌شود که سرپرستی زنان خانوار به‌عنوان یک مسئله اجتماعی شناخته شود، مشکلات و موانعی است که در دنیای بیرون بر سر راه سرپرستی زنان به وجود آمده و باعث می‌شود تا زنان سرپرست خانوار به‌عنوان قشری آسیب‌پذیر شناخته شوند (رحیمی، ۱۳۹۹: ۱۷۸). مهم‌ترین مشکل زنان سرپرست خانوار و خانواده‌های آنان مسئله اقتصادی است؛ یعنی تأمین معاش و آسیب‌هایی که از این ناحیه می‌تواند بر آن‌ها وارد شود؛ از جمله دیگر مشکلات زنانی که تنها سرپرست خانواده هستند، این است که آن‌ها به دلیل تأمین معاش خانواده، به ناچار از محیط خانواده دور می‌شوند و ارتباط عاطفی کمتری با فرزندانشان خواهند داشت. این زنان علاوه بر انجام نقش و مسئولیت مادری و پرورش فرزندان، تأمین‌کننده مخارج خانواده نیز هستند و این نقش، فشارهای مضاعفی را با توجه به تضادهای بین نقش مادری و سرپرست برای آن‌ها ایجاد می‌کند. این زنان به دلیل تأمین مخارج خانواده، فرصت کمتری در خانواده دارند و در نتیجه نقش تمام افراد خانواده تغییر می‌کند و آن‌ها با مسئولیت‌هایی روبه‌رو می‌شوند که سبب استرس مضاعف کل خانوار می‌شود (قوامی، ۱۳۸۵: ۲۲۸).

در اینجا از تئوری تبادل اجتماعی می‌توان این‌گونه استفاده کرد که اگر افراد در دوران کودکی و در دوران زندگی در محیط خانواده و همچنین محیط اجتماعی، مورد تشویق و تحریک کار

ارزشمندی قرار بگیرند، احتمال آن که در آینده نیز همان فعالیت یا کار را انجام دهند بیشتر است. اگر در محیط زندگی فرد، کار و توانمندبودن، یک ارزش باشد و یا زمانی که کار مناسبی را انجام داده و به موفقیتی دست پیدا کرده است، پاداشی گرفته باشد، این فرد این فعالیت را تکرار می‌کند. نداشتن روحیه کار و تلاش، نداشتن فرهنگ کار، نداشتن مهارت هزینه-فایده در امور زندگی شخصی، نداشتن تجربه موفق در زندگی، قرارنگرفتن در موضع تشویق در زمانی که فعالیت خوبی را انجام داده است و عدم درک ارزش کار و فعالیت انجام شده، می‌تواند از عواملی باشد که جزو علل فقر فردی و از ویژگی‌های سبک زندگی فقیرانه محسوب شود که نقطه مقابل سبک زندگی مدبرانه است. رضایی قادی (۱۳۸۸) در پژوهشی میدانی به بررسی شاخص‌های توانمندسازی زنان سرپرست خانوار عضو کمیته امداد امام خمینی (ره) شهرستان اسلام-شهر پرداخت و شاخص‌های توانمندی زنان را در چهار بُعد روانی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مورد بررسی قرار داد. یافته‌های این پژوهش نشان داد که زنان، بیشتر از مردان در معرض فقر و کلیشه‌های جنسیتی قرار دارند؛ از این‌رو توانمندکردن زنان سرپرست خانوار، صرفاً از لحاظ اقتصادی اهمیت ندارد؛ بلکه این گروه از افراد آسیب‌پذیر در بُعد فرهنگی و اجتماعی، خصوصاً در بُعد روانی نیاز به توانمندشدن دارند.

لوئیس^۱، محل رشد و نمو فرهنگ فقر را در کشورهای می‌داند که از نظر سیاست اقتصادی در مراحل اولیه سرمایه‌داری، یعنی آزادی فعالیت‌های اقتصادی هستند و در کشورهای مستعمره نیز معتقد است که این حالت (فرهنگ فقر) به حالت همیشگی و بومی، به زندگی خود ادامه می‌دهد. آن چیزی که فرهنگ فقر را تشکیل می‌دهد؛ سبک زندگی فقیرانه‌ای است که افراد بر می‌گزینند. فرهنگ فقر، محصول تداوم زیستن در سبک زندگی فقیرانه است. وقتی فرهنگ فقر در فرد نهادینه شد؛ به خانواده‌ای که خود تشکیل می‌دهد سرایت می‌کند و خانواده را نیز متأثر از این فرهنگ می‌نماید و با توجه به اینکه خودش در این نوع سبک زندگی رشد و نمو پیدا کرده است، مجدداً همین نوع سبک زندگی را در خانواده مدیریت می‌کند و اعضای خانواده نیز با همین شیوه زندگی تربیت می‌شوند. استمرار سبک زندگی فقیرانه و نهادینه‌شدن آن در محیط و اعضای

خانواده، منجر به فرهنگ فقر می‌شود که از نسلی به نسل دیگر انتقال می‌یابد. در مقابل سبک زندگی فقیرانه، سبک زندگی مدبرانه قرار دارد که می‌تواند از انتقال بین نسلی فقر جلوگیری نماید. در سبک زندگی مدبرانه، زندگی افراد توسط سرپرست و کلیه اعضای خانواده مدیریت می‌شود و روحیه همکاری، تعاون و همبستگی نزدیکی که مبتنی بر عقل معاش و حسن تدبیر است، حاکم است. سبک زندگی مدبرانه، به شیوه‌ای از زندگی اطلاق می‌شود که اصول اصلی توسعه و پیشرفت که همان تلاش و تدبیر برای نیل به هدف است توسط افراد، یا خانواده برگزیده می‌شود و در مقابل چنین سبک زندگی، افراد جامعه و خانواده‌ها شیوه‌ای از زندگی را تجربه می‌کنند که عناصر تلاش، تدبیر و هدفداری را یا ندارند و یا اگر هم دارند، با نقص و کمبود همراه است که این شیوه زیستن، به گرفتارشدن در سبک زندگی فقیرانه منجر می‌شود. اگر سبک زندگی عموم افراد جامعه با فقر بیگانه باشد و مهندسی معکوس فقر را که تولید درآمد، با کار و تلاش و مدیریت صحیح منابع است را سرلوحه سبک زندگی خودشان قرار دهند؛ قطعاً ساختار جامعه نیز در مسیر توسعه قرار می‌گیرد. اگر کنش‌های فردی افراد جامعه صحیح و متناسب با توسعه شکل بگیرند، ساختارهای اجتماعی جامعه نیز که از جمع کنش‌های بینشی، نگرشی و رفتاری افراد تشکیل می‌شوند؛ ساخت مطلوبی خواهند داشت؛ بنابراین عاملیت در پیدایش فقر از سهم بیشتری نسبت به سایر عوامل برخوردار است (آسوده یدکی، ۱۳۹۴: ۳۵). اصطلاح دیگری که برای سبک زندگی مدبرانه به کار گرفته می‌شود، مصرف مدبرانه است. مصرف مدبرانه تعبیر یا اصطلاحی است در مقابل مصرف‌زدگی که از خرج‌شدن درآمد خانواده در امور غیرضروری و هدر دادن منابع محدود مالی خانواده جلوگیری می‌کند. مصرف مدبرانه؛ یعنی استفاده بهینه از همه امکانات در جهت بهبود و رشد زندگی. در واقع، اگر الگوی اقتصادی خانواده براساس آموزه‌های اسلامی شکل بگیرد، این اعتقادات و باورها بر اعتدال در میزان مصرف و برطرف کردن معضل فقر اثرگذار خواهد بود (نجفی و لسانی فشارکی، ۱۳۹۷: ۱۷۵).

با توجه به تجربیات کار محققان مطالعه حاضر در بین فقرا و شناخت از سبک زندگی آنان، بویژه زنان سرپرست خانوار و بررسی نظریات مختلف که به خلاصه‌ای از آن‌ها اشاره شد، شاخص‌ها و مؤلفه‌های اصلی و متغیرهای سبک زندگی مدبرانه فردی احصا و به صورت پنج متغیر اصلی زیر دسته‌بندی شد که عبارت‌اند از:

۱. خودشناسی قابلیت‌ی: نشان‌دهنده این واقعیت است که به چه میزان خانواده‌های مورد حمایت کمیته امداد امام خمینی (ره) نسبت به قابلیت‌های بالفعل و بالقوه و محدودیت‌های خود آگاهی دارند؛
 ۲. اجتماعی‌بودن: نشان‌دهنده این واقعیت است که به چه میزان خانواده‌های مورد حمایت کمیته امداد امام خمینی (ره) اجتماعی هستند؛
 ۳. سواد اقتصادی داشتن؛
 ۴. ویژگی‌های کارآفرینانه داشتن؛ شامل نوآوری داشتن، پُر جنب و جوش بودن، ریسک‌پذیر بودن، تعهد به کار، مسئولیت‌پذیری و تلاش بیشتر برای دستیابی به اهداف بسیار؛
 ۵. حسن تدبیر فردی؛ یعنی آینده‌نگری، دوراندیشی، برنامه‌ریزی داشتن و اجتناب از خواسته‌های آنی زندگی. در واقع مشخص‌کننده این مسئله است که خانواده‌های مورد حمایت کمیته امداد امام خمینی (ره) تا چه میزان توانایی اداره کردن و مدیریت خویشتن را دارند.
- در این میان، توانمندی زنان و مشارکت آنان در فرایندهای مختلف زندگی، در عین حال، خود به‌عنوان یکی از نشانگرهای مهم موفقیت برنامه‌های مبارزه با فقر تلقی شده است (شکوری و سعیدی، ۱۳۹۳: ۷۸)؛ از این رو در مطالعه حاضر به تحقیق و مطالعه بر روی این قشر از جامعه پرداخته شده است که شامل دو گروه از زنان است: ۱. زنانی که توانسته‌اند خودکفا شوند و ۲. زنانی که همچنان در فقر باقی مانده‌اند و ویژگی‌های فردی هر دو گروه در سبک زندگی آن‌ها مورد بررسی قرار گرفته است. حال براساس آنچه مطرح شد و با توجه به اهمیت موضوع، فرضیه‌های زیر مطرح می‌شود که تحقیق حاضر در ادامه، این فرضیات را مورد آزمون قرار می‌دهد.

فرضیه‌های تحقیق

فرضیه اصلی پژوهش:

- بین ویژگی‌های فردی زنان سرپرست خانوار از فقر خارج شده و زنان در فقرمانده تفاوت معناداری وجود دارد.

فرضیه‌های فرعی پژوهش:

۱-۱- بین خودشناسی قابلیت‌های زنان سرپرست خانوار از فقر خارج شده و زنان در فقرمانده تفاوت معناداری وجود دارد.

۲-۱- بین اجتماعی بودن زنان سرپرست خانوار از فقر خارج شده و زنان در فقرمانده تفاوت معناداری وجود دارد.

۳-۱- بین سواد اقتصادی زنان سرپرست خانوار از فقر خارج شده و زنان در فقرمانده تفاوت معناداری وجود دارد.

۴-۱- بین ویژگی‌های کارآفرینانه زنان سرپرست خانوار از فقر خارج شده و زنان در فقرمانده تفاوت معناداری وجود دارد.

۵-۱- بین حسن تدبیر فردی زنان سرپرست خانوار از فقر خارج شده و زنان در فقرمانده تفاوت معناداری وجود دارد.

روش تحقیق

تحقیق حاضر به لحاظ هدف، از نوع کاربردی است و به لحاظ روش، از نوع پیمایشی است. ابزار جمع‌آوری داده‌ها در این پژوهش، پرسشنامه محقق ساخته است؛ به این ترتیب که در مرحله اول، گویه‌ها و سؤالات استخراج و فرایند تدوین پرسشنامه شروع شد. پس از اینکه مؤلفه‌ها و شاخص‌ها مشخص شدند؛ برای هر کدام از مؤلفه‌ها سؤالات و گویه‌هایی طرح و تدوین شد. سپس سؤالات طراحی شده بازبینی و مجدداً ویرایش و سؤالات کیفی‌تر و مناسب‌تر انتخاب شد. در مرحله بعدی سؤالات با تعدادی از مدیران کمیته امداد استان خراسان رضوی و کارشناسان مرتبط

و باتجربه، بررسی و چندین مرحله بازنویسی و اصلاح شد. این پرسشنامه سؤالاتی در مورد سبک زندگی مدبرانه فردی است که شامل ۵۷ گویه می‌باشد که ۴۷ گویه آن به صورت سؤالات بسته و با طیف پنج گزینه‌ای لیکرت و ۱۰ سؤال دیگر که سواد اقتصادی افراد را می‌سنجد، شامل ۵ سؤال چهارگزینه‌ای و ۵ سؤال باز است.

روش اعتبارسنجی معرف‌ها و شاخص‌های تحقیق، روش اعتبار محتوایی- صوری است؛ از این‌رو، شاخص‌ها و معرف‌ها و پرسشنامه طراحی شده در اختیار ۶ نفر از مدیران ارشد و کارشناسان خبره و باتجربه کمیته امداد امام‌خمینی (ره) استان خراسان رضوی قرار گرفت و بیش از ۴ مرحله بررسی و بازبینی انجام شد و پس از جمع‌بندی نظرات کارشناسان و اساتید، پرسشنامه نهایی شد و در اختیار مصاحبه‌کنندگان و نمونه آماری تحقیق قرار گرفت.

به منظور سنجش پایایی پرسشنامه نیز از روش ضریب آلفای کرونباخ استفاده شده است که نتایج آن در جدول ۱ قابل ملاحظه است. آلفای کرونباخ، ضریبی از پایایی و سازگاری است و سازگاری درونی مدل را اندازه می‌گیرد. مقادیر بالای ۰/۷ برای آلفای کرونباخ مطلوب است. همان‌طور که از جدول ۱ ملاحظه می‌شود؛ مقدار ضریب آلفای کرونباخ تمامی ویژگی‌های فردی سبک زندگی مدبرانه از پایایی مطلوب و قابل قبولی برخوردارند.

جدول (۱) ضریب آلفای کرونباخ متغیرها

متغیرها	تعداد سؤالات	ضریب آلفای کرونباخ
خودشناسی	۱۱	۰/۷۱۳
اجتماعی‌بودن	۹	۰/۸۰۹
حسن تدبیر	۱۲	۰/۹۰
ویژگی‌های کارآفرینانه	۱۵	۰/۹۰
سواد اقتصادی	۱۰	۰/۷۰

جامعه آماری مورد پژوهش این تحقیق دو گروه هستند؛ گروه اول گروهی از مددجویان مورد حمایت کمیته امداد امام‌خمینی (ره) استان خراسان رضوی هستند که تاکنون از خدمات این نهاد استفاده کرده‌اند و تعداد این گروه تا سال ۱۳۹۹، ۱۵۴۰۰۰ خانوار بوده است. با توجه به اینکه جمعیت سنی زیر ۶۰ سال مورد استفاده در تحقیق حاضر است، کل جمعیت زیر ۶۰ سال،

۵۲۵۱۰ خانوار است. این‌ها گروهی هستند که قبلاً فقیر بوده‌اند و در حال حاضر نیز فقیر هستند؛ بنابراین جامعه آماری هدف تحقیق در این گروه ۵۲۵۱۰ سرپرست خانوار است. با توجه به گستردگی سطح استان و مشابهت بسیاری از شهرستان‌ها با توجه به فرهنگ و جغرافیا و منطقه آب و هوایی آن‌ها با یکدیگر، استان به ۱۰ منطقه تقسیم شده و جامعه آماری هرکدام از این مناطق، تجمیع و در شهرستان مرکزی آن لحاظ شده است (جدول ۲).

گروه دوم جامعه آماری در این تحقیق، مجریان طرح‌های اشتغال و خودکفایی کمیته امداد امام‌خمینی (ره) استان خراسان رضوی هستند که حدود یک سال از قطع پرونده تحت پوششی آن‌ها گذشته باشد؛ یعنی افرادی که در ابتدا تحت پوشش این نهاد بوده‌اند و سال‌ها خدمات حمایتی را دریافت می‌کرده‌اند؛ پس از دریافت وام خوداشتغالی توسط سرپرست خانواده و یا فرزندان آن‌ها، یک کسب و کار با حمایت، مشاورت و نظارت کمیته امداد راه‌اندازی کرده‌اند و مشغول به کار شده‌اند و پس از موفقیت و تثبیت شغلشان، از تحت حمایت خارج و زندگی بدون حمایت این نهاد را ادامه می‌دهند. این گروه افرادی هستند که قبلاً فقیر بوده‌اند و در حال حاضر فقیر نیستند و خود را از فقر رهایی‌ده‌اند و خودکفا شده‌اند (جدول ۳).

جدول (۲) جامعه آماری گروه اول

شهرستان	تعداد سرپرستان زیر ۶۰ سال	شهرستان	تعداد سرپرستان زیر ۶۰ سال
باخرز	۶۶۲	رشتخوار	۱۰۳۹
بجستان	۵۰۲	زاوه	۱۱۲۷
بردسکن	۸۵۸	سبزوار	۲۶۳۷
تایباد	۱۰۱۱	سرخس	۱۱۲۳
ترت جام	۴۳۷۷	فریمان	۹۸۵
ترت حیدریه	۲۹۱۱	فیروزه	۸۴۰
طرقبه شاندیز	۳۳۴	قوچان	۱۶۸۸
جغتای	۸۱۷	مشهد	۱۶۰۶۰
جوین	۷۳۰	مه ولات	۱۰۰۵
خلیل آباد	۴۹۴	نیشابور	۳۹۲۷
خواف	۱۷۶۷	چناران	۹۲۰
خوشاب	۴۶۲	کاشمر	۳۱۶۴
داورزن	۴۰۸	کلات نادری	۴۰۶
درگز	۱۵۰۸	گناباد	۷۴۸
جمع کل		۵۲۵۱۰	

جدول (۳) فهرست منطقه‌بندی شهرستان‌های استان

شهرستان مرکزی	شهرستان‌ها	شهرستان مرکزی	شهرستان‌ها
مشهد	مشهد، فریمان، طرقبه و شاندیز	کاشمر	کاشمر، خلیل آباد و بردسکن
نیشابور	نیشابور، فیروزه	درگز	درگز و کلات
سبزوار	سبزوار، داورزن، جغتای، جوین، خوشاب	خواف	خواف، تایباد و باخرز
قوچان	قوچان، چناران	ترت جام	ترت جام، صالح آباد و سرخس
گناباد	گناباد، بجستان	ترت حیدریه	ترت حیدریه، رشتخوار، مه ولات و زاوه

روش نمونه‌گیری تحقیق حاضر از نوع تصادفی خوشه‌ای است. تعداد نمونه مورد نیاز به‌طور کلی در هر دو گروه با استفاده از فرمول کوکران ۹۳۸ نفر به دست آمد. از نرم‌افزار آماری SPSS برای تجزیه و تحلیل داده‌های جمع‌آوری شده، استفاده شده است.

یافته‌های پژوهش

نتایج آمار توصیفی انجام‌شده بر روی داده‌های جمع‌آوری‌شده، نشان داد اکثر افراد نمونه مورد مطالعه دارای مدرک تحصیلی ابتدایی بودند (۳۵۶ نفر)، اکثر آن‌ها مهارتی ندارند (۵۵۱ نفر) و علت تحت حمایت قرار گرفتن آن‌ها، اکثراً فوت سرپرست بوده است (۳۷۴ نفر) و شغلی نیز ندارند (۵۸۵ نفر)، اکثر این افراد، پدرشان بیسواد بوده است (۶۰۱ نفر) و به لحاظ وضعیت اقتصادی نیز اکثر آن‌ها در فقر مانده‌اند (۷۴۱ نفر).

از آنجا که از طریق آزمون کولموگروف- اسمیرنوف مشخص شد که داده‌های جمع‌آوری‌شده تحقیق حاضر، نرمال نیستند، پس به منظور پاسخگویی به سؤالات تحقیق و مقایسه میانگین دو جامعه مستقل؛ یعنی زنان سرپرست خودکفاشده و زنان سرپرست خانوار که در فقر باقی مانده‌اند، از آزمون من- ویتنی استفاده شده است که از جمله آزمون‌های آماری ناپارامتریک است. نتایج تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از آزمون من- ویتنی برای مقایسه دو جامعه مستقل در جداول زیر آورده شده است:

فرضیه اول: بین خودشناسی قابلیت‌های زنان سرپرست خانوار از فقر خارج‌شده و زنان در فقرمانده، تفاوت معناداری وجود دارد.

جدول (۴) مقایسه میانگین دو جامعه در مورد خودشناسی

مجموع رتبه‌ها	میانگین رتبه	تعداد	وضعیت اقتصادی	خودشناسی قابلیتی
۱۰۸۴۶۱.۵۰	۵۵۰.۵۷	۱۹۷	خودکفاشده	
۳۳۱۹۲۹.۵۰	۴۴۷.۹۵	۷۴۱	در فقرمانده	
		۹۳۸	کل	

جدول (۵) آزمون آماری در مورد خودشناسی

خودشناسی قابلیت	
۵۷۰۱۸.۵۰۰	من- ویتنی
۳۳۱۹۲۹.۵۰۰	ویلکاکسون
-۴.۷۳۰	Z
۰.۰۰۰	معناداری

فرضیه دوم: بین اجتماعی بودن زنان سرپرست خانوار از فقر خارج شده و زنان در فقرمانده، تفاوت معناداری وجود دارد.

جدول ۶) مقایسه میانگین دو جامعه در مورد اجتماعی بودن

وضعیت اقتصادی	تعداد	میانگین رتبه	مجموع رتبه‌ها
خودکفا شده	۱۹۷	۵۶۲.۶۶	۱۱۰۸۴۴.۰۰
در فقر مانده	۷۴۱	۴۴۴.۷۳	۳۲۹۵۴۷.۰۰
کل	۹۳۸		

جدول ۷) آزمون آماری در مورد اجتماعی بودن

اجتماعی بودن	
من- ویتنی	۵۴۶۳۶.۰۰۰
ویلکاکسون	۳۲۹۵۴۷.۰۰۰
Z	-۵.۴۳۴
معناداری	۰.۰۰۰

فرضیه سوم: بین سواد اقتصادی زنان سرپرست خانوار از فقر خارج شده و زنان در فقرمانده، تفاوت معناداری وجود دارد.

جدول ۸) مقایسه میانگین دو جامعه در مورد سواد اقتصادی

وضعیت اقتصادی	تعداد	میانگین رتبه	مجموع رتبه‌ها
خودکفا شده	۱۹۷	۶۰۶.۱۳	۱۱۹۴۰۷.۵۰
در فقرمانده	۷۴۱	۴۳۳.۱۸	۳۲۰۹۸۳.۵۰
کل	۹۳۸		

جدول ۹) آزمون آماری در مورد سواد اقتصادی

سواد اقتصادی	
من- ویتنی	۴۶۰۷۲.۵۰۰
ویلکاکسون	۳۲۰۹۸۳.۵۰۰
Z	-۷.۹۸۸
معناداری	۰.۰۰۰

فرضیه چهارم: بین حسن تدبیر زنان سرپرست خانوار از فقر خارج شده و زنان در فقرمانده، تفاوت معناداری وجود دارد.

جدول (۱۰) مقایسه میانگین دو جامعه در مورد حسن تدبیر

مجموع رتبه‌ها	میانگین رتبه	تعداد	وضعیت اقتصادی	حسن تدبیر
۱۱۴۹۸۷.۰۰	۵۸۳.۶۹	۱۹۷	خودکفا شده	
۳۲۴۴۶۶.۰۰	۴۳۸.۴۷	۷۴۱	در فقرمانده	
		۹۳۸	کل	

جدول (۱۱) آزمون آماری در مورد حسن تدبیر

حسن تدبیر	
۵۰۲۹۶.۰۰۰	من- ویتنی
۳۲۴۴۶۶.۰۰۰	ویلکاکسون
-۶.۶۹۶	Z
۰.۰۰۰	معناداری

فرضیه پنجم: بین ویژگی‌های کارآفرینانه زنان سرپرست خانوار از فقر خارج شده و زنان در فقرمانده، تفاوت معناداری وجود دارد.

جدول (۱۲) مقایسه میانگین دو جامعه در مورد ویژگی‌های کارآفرینانه

مجموع رتبه‌ها	میانگین رتبه	تعداد	وضعیت اقتصادی	ویژگی‌های کارآفرینانه
۱۱۴۳۶۲.۰۰	۵۸۰.۵۲	۱۹۷	خودکفا شده	
۳۲۵۰۹۱.۰۰	۴۳۹.۳۱	۷۴۱	در فقرمانده	
		۹۳۸	کل	

جدول (۱۳) آزمون آماری در مورد ویژگی‌های کارآفرینانه

ویژگی‌های کارآفرینانه	
۵۰۹۲۱.۰۰۰	من- ویتنی
۳۲۵۰۹۱.۰۰۰	ویلکاکسون
-۶.۵۱۰	Z
۰.۰۰۰	معناداری

همان‌طور که از جداول فوق ملاحظه شد، بین همه ویژگی‌های فردی در میان دو گروه زنان سرپرست در فقرمانده و زنان سرپرست خودکفا شده، تفاوت معناداری وجود دارد و مشخص شد افرادی که خودکفا شده‌اند، از میانگین بیشتری در هر یک ویژگی‌های فردی خود نسبت به افراد در فقرمانده برخوردارند. نتایج آزمون‌ها مبین این نکته است؛ افرادی که عناصر و مؤلفه‌های سبک زندگی مدبرانه در آن‌ها بیشتر بوده است، توانسته‌اند از فقر بیرون بروند و کسانی که سبک زندگی فقیرانه‌ای داشته‌اند، نتوانسته‌اند مؤلفه‌های موفقیت را کسب کرده و در نتیجه همچنان در فقر باقی مانده‌اند.

حال در ادامه از آزمون فریدمن برای بررسی یکسان بودن اولویت‌بندی ویژگی‌های فردی سبک زندگی مدبرانه استفاده می‌شود؛ از این‌رو، فرضیه مربوطه به صورت زیر مطرح می‌شود:

H_0 : اولویت‌بندی ویژگی‌های فردی سبک زندگی مدبرانه در تأثیرگذاری بر وضعیت اقتصادی افراد یکسان است.

H_1 : دست‌کم دو اولویت متفاوت‌اند.

جدول ۱۴) میانگین رتبه‌ها

متغیرها	میانگین رتبه‌ها
خودشناسی	۳.۰۵
اجتماعی بودن	۳.۵۱
حسن تدبیر	۳.۸۸
ویژگی‌های کارآفرینانه	۳.۵۶
سواد اقتصادی	۱.۰۰

در جدول ۱۴، میانگین رتبه‌های هر یک از این ویژگی‌های فردی نشان داده شده است. در این جدول هر چقدر میانگین رتبه‌ها بزرگ‌تر باشد، اهمیت آن متغیر بیشتر است. طبق جدول ۱۴ ملاحظه می‌شود که حسن تدبیر از میانگین بالاتری برخوردار است و از منظر افراد مورد مطالعه، اهمیت و تأثیرگذاری بیشتری در وضعیت اقتصادی آن‌ها داشته است؛ چراکه حسن تدبیر اشاره به آینده‌نگری و دوراندیشی فرد دارد که می‌تواند در بهبود وضعیت اقتصادی‌اش کمک‌کننده باشد.

از طرفی، پایین بودن میانگین سواد اقتصادی، اشاره به این دارد که افراد مورد مطالعه به لحاظ سواد اقتصادی در سطح ضعیفی قرار دارند.

جدول ۱۵) نتایج آزمون فریدمن

۹۵۱	تعداد حجم نمونه
۲۰۵۰.۳۶۷	Chi-Square
۴	درجه آزادی
۰.۰۰۰	معناداری

با توجه به جدول ۱۵ و اینکه مقدار sig کمتر از ۵٪ است (H_0 (۰.۰۰۰) رد می‌شود و ادعای یکسان بودن رتبه (اولویت) ویژگی‌های فردی مورد مطالعه، پذیرفته نمی‌شود؛ بنابراین مشخص شد ویژگی‌های فردی مورد مطالعه در این تحقیق از منظر افراد نمونه، از اولویت یکسانی برخوردار نیستند.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف تحقیق حاضر، بررسی تأثیر سبک زندگی مدبرانه زنان سرپرست خانوار در دو گروه زنان در فقرمانده و زنان خودکفا شده تحت پوشش کمیته امداد امام خمینی (ره) استان خراسان رضوی است. بر اساس ویژگی‌های پنجگانه سبک زندگی مدبرانه فردی مشخص شد که هر ۵ مؤلفه از این ویژگی‌های فردی، در خودکفایی زنان سرپرست خانوار تحت پوشش کمیته امداد امام خمینی (ره) تأثیرگذار بوده‌اند و از میان این ۵ مؤلفه، براساس دیدگاه خود این افراد مشخص شد که حسن تدبیر از اهمیت و اولویت بیشتری در تأثیرگذاری بر روی خودکفایی زنان سرپرست خانوار تحت پوشش کمیته امداد امام خمینی (ره) در استان خراسان رضوی برخوردار است.

سبک زندگی مدبرانه، روشی در زندگی کردن است که حسن تدبیر، هسته اصلی آن زندگی باشد. «سوء التدبیر مفتاح الفقر و لا فقر مع حسن تدبیر» (تمیمی آمدی، ۱۳۸۲). همان‌طور که در کلام و اندیشه عالمانه و معرفت‌شناسانه انسانی و اجتماعی امام علی (ع) بیان شده است، سوء تدبیر کلید فقر، بدبختی و عدم موفقیت است و اگر حسن تدبیر در افراد وجود داشته باشد، فقر و ناداری در عرصه زندگی ماندگار نمی‌شود و رسوب نمی‌کند. انسان، اندیشه و دانش توسعه و تولید ثروت (مادی و معنوی) است. عقل، ابزار کمال‌یابی و خرد، ابزار ثروت‌یابی انسان است. ابزار و فناوری توسط عقل و خردورزی انسان ساخته می‌شوند. منابع طبیعی خدادادی، آب، زمین و نور سه منبع اصلی تولید در اختیار بشر هستند. عقلانیت، قدرت و توان جسمی کار و حرکت در همه افراد (جز افراد مریض و معلول شدید) به ودیعه گذاشته شده است. ترکیب روشمند و صحیح جسم و توانایی‌های حرکتی و ذهنی انسان با منابع در اختیار بشر می‌تواند فرد را از فقر دور کند. ترکیب متناسب و هدایت عقلانی این عناصر جهت حل معضل فقر در سطوح مختلف، با دانش و علم مدیریت و حسن تدبیر میسر است. امام علی (ع) در یک کلام عالمانه و مدبرانه می‌فرماید: «لا فقر مع حسن التدبیر» (تمیمی آمدی، ۱۳۸۲)؛ با حسن تدبیر و برنامه‌ریزی صحیح، فقر و تنگدستی به وجود نمی‌آید.

دانش مدیریت منزل و خانواده، ابزاری است در جهت افزایش بهره‌وری و استفاده بهینه از منابع و فرصت‌های موجود در خانواده که توسط والدین باید به کار گرفته شود. حسن تدبیر مطلوب که

در حقیقت آینده‌پژوهی مدیریت منزل است؛ در گرو مدیربودن و دارا بودن حداقل دانش مدیریت منزل توسط والدین است. تأکیدات زیاد دین اسلام در خصوص حسن تدبیر و سوء تدبیر و رابطه آن با موفقیت‌ها و گشاده‌دستی‌های زندگی و فقر و تنگدستی، بیانگر اهمیت مدیریت و توانایی اداره کردن، آینده‌نگری و دوراندیشی است.

امام علی (ع) می‌فرماید: «قوم، پایداری و ماندگاری زندگی افراد، خانواده و جامعه در گرو برنامه‌ریزی صحیح و مدیریت درست است و شاخص و شرط قوام معیشت و برنامه‌ریزی و مدیریت مطلوب، داشتن حسن تدبیر است. حُسْنُ التَّدْبِيرِ يُنْمِي قَلِيلَ الْمَالِ وَ سَوْءُ التَّدْبِيرِ يُفْنِي كَثِيرَهُ» (تمیمی آمدی، ۱۳۹۱)؛ یعنی هرچه ضریب حسن تدبیر افراد، جامعه و والدین در خانواده و مدیران جامعه و حاکمان بالا باشد موجب می‌گردد تا با تدبیر درست و خوب، مال و اموال کم، افزایش یابد و در عوض، سوء تدبیر در افراد و خانواده و حاکمان و مدیران جامعه، موجب می‌شود تا از منابع و سرمایه‌ها و ظرفیت‌ها، بهره‌وری مطلوبی حاصل نمایند و موجب کاهش ثروت در جامعه و خانواده گردند». حسن تدبیر که ابزار آینده‌پژوهی عقل بشر است، با مدیریت بر منابع و ثروت، موجب افزایش ثروت اندک می‌شود؛ ولی سوء تدبیر که ابزار جهل بشر است، موجب می‌گردد تا منابع و ثروتی هم که در اختیار دارد را کاهش داده و از بین ببرد.

تحلیل نتایج تحقیق حاضر بیانگر این مهم است که اگر افراد و خانواده‌ها در شیوه و طریق زندگی کردنشان، سبک زندگی فقیرانه داشته باشند و این شیوه زندگی را ادامه دهند، تا زمانی که این روش زیستن در بینش‌ها، نگرش‌ها و رفتارهای افراد نهادینه شود، آن موقع بینش‌ها و نگرش‌های فقیرانه‌ای در اثر استمرار "سبک زندگی فقیرانه" شکل می‌گیرد. نهادینه شدن بینش‌ها و نگرش‌های فقیرانه، موجب رفتارها و کنش‌ها و واکنش‌های فقیرانه در زندگی فردی و خانوادگی اجتماعی افراد می‌شود. وقتی افراد در فرهنگ فقر قرار گرفتند، مهندسی معکوس فرهنگ فقر به سمت سبک زندگی مدبرانه، کاری بس دشوار خواهد بود؛ بنابراین برای انقطاع چرخه فقر بین-نسلی باید سبک زندگی فقیرانه افراد اصلاح گردد و در یک دامنه زمانی مشخص با آموزش و بعضاً جداسازی از محله فرهنگ فقر، فرد را در مسیر سبک زندگی مدبرانه قرار داد تا پس از مدتی فرهنگ زندگی مدبرانه جایگزین فرهنگ فقر شود. برای اینکه فرایند اصلاح و تغییر فرهنگ

فقر به فرهنگ زندگی مدیرانه و نهایتاً قطع فقر بین‌نسلی با موفقیت اجرا شود، الزاماً مشارکت، همفکری و نیازهای خود افراد و خانواده و والدین ضروری است؛ بنابراین نقش زنان در شکل‌دهی "خانواده مدیرانه" کلیدی و اساسی است؛ چون هسته اصلی خانواده و مدیر اصلی خانواده زن‌ها هستند که می‌توانند "انسان‌های اجتماعی مدیرانه" تربیت کنند و "انسان‌های اجتماعی مدیرانه"، "بینش‌ها، نگرش‌ها، شناخت‌ها و کنش‌های مدیرانه" و نهایتاً "ساختارهای اجتماعی مدیرانه‌ای" را در جامعه طراحی و اجرایی می‌کنند. "ساختارهای اجتماعی مدیرانه"، سطح رفاهی و اقتصادی زندگی مدیرانه افراد جامعه را افزایش می‌دهند و سپس منجر به ایجاد "فرهنگ زندگی مدیرانه" در جامعه می‌شوند؛ از این‌رو، تقویت و ترویج سبک زندگی مدیرانه با محوریت زنان، ارزشمند است و موجب می‌شود علاوه بر اینکه خود از فقر و گرفتاری در آسیب‌های اجتماعی خارج شوند، موجبات تربیت نسل مدیرانه‌ای را هم در جامعه فراهم کنند و همچنین از به ارث گذاشتن فقر به نسل بعدی نیز جلوگیری می‌شود. بر اساس نتایج به‌دست‌آمده از این تحقیق، پیشنهادات زیر برای تقویت سبک زندگی مدیرانه در زنان سرپرست خانوار ارائه می‌شود:

- آموزش "سواد اقتصادی" و "معرفت‌شناسی خانواده" برای زنانی که زندگی آنان در سطح سبک زندگی فقیرانه است و یا در آستانه ورود به سبک زندگی فقیرانه هستند. این مهم می‌تواند با هدایت‌های علمی دانشگاه‌ها، آموزش و پرورش و مراکز علمی و تحقیقاتی و با کمک نهادها و سازمان‌های حمایتی مثل کمیته امداد امام‌خمينی (ره) و بهزیستی و خیریه‌ها و سایر مراکز حمایتی در کشور اجرا شود.
- آموزش فرزندان که در "تله سبک زندگی فقیرانه" در جامعه گرفتار شده‌اند. توانمندسازی فرزندان (نوجوانان و جوانان) به منظور قطع چرخه فقر در نسل بعدی ضروری است. اجرای این توانمندسازی می‌تواند توسط مراکز آموزشی و علمی و کمیته امداد امام‌خمينی (ره) و بهزیستی و خیریه‌ها و سایر مراکز حمایتی در کشور انجام شود.
- تدوین متون علمی و کاربردی با مضمون "سواد اقتصادی" و "معرفت‌شناسی خانواده" برای والدین و فرزندان، متناسب با جنسیت و سن و مسئولیتی که در منزل بر عهده دارند. اشکال طراحی و تدوین این متون می‌تواند به صورت نرم‌افزار، مکتوب و بازی‌های رایانه‌ای و در

سطح فراگیر و با قیمت‌های ارزان و یارانه‌های حمایتی در اختیار مددجویان کمیته امداد قرار گیرد.

- ترویج "فرهنگ کار و تلاش" و اطلاع‌رسانی و ترویج "سبک زندگی مدبرانه" در مقابل سبک زندگی فقیرانه از طریق رسانه‌های مکتوب، دیداری و شنیداری به صورت هدفمند و مستمر در سطوح عمومی و تخصصی در جامعه.



منابع

- تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد (۱۳۸۲). *غررالحکم و دررالحکم*، ج ۲. ترجمه حمید فرخیان. قم: دارالحديث.
- _____ (۱۳۹۱). *غررالحکم و دررالحکم*، ج ۳. ترجمه سیدهاشم رسولی محلاتی. قم: دارالحديث.
- توفیق‌یان‌فر، علی‌حسن، و دیگران (۱۳۹۵). "بررسی رابطه بین طرح‌های خودکفایی کمیته امداد امام‌خمینی (ره) و توانمندسازی زنان سرپرست خانوار (مطالعه موردی: استان کهگیلویه و بویراحمد)". *زن و جامعه*، دوره هفتم، ش ۲۶ (تابستان): ۸۹-۱۱۴.
- حسن‌پور، اکبر، و دیگران (۱۴۰۰). "شناسایی و اولویت‌بندی راه‌های توانمندسازی زنان سرپرست خانوار". *رفاه اجتماعی*، سال بیست و یکم، ش ۸۰ (بهار): ۸۱-۱۱۵.
- رحیمی، کاظم (۱۳۹۹). "آسیب اجتماعی زنان سرپرست خانوار". *مطالعات راهبردی علوم انسانی و اسلامی*، سال پنجم، ش ۳۲ (زمستان): ۱۷۵-۱۸۴.
- رضایی قادی، خدیجه (۱۳۸۸). "شاخص‌های توانمندسازی زنان سرپرست خانوار". در: *مجموعه مقالات دومین همایش توانمندی زنان و توان‌افزایی زنان سرپرست خانوار*. تهران: معاونت امور بانوان شهرداری.
- سیاحی، مهین؛ همایی، رضوان (۱۳۹۹). "اثربخشی آموزش توانمندسازی فردی بر خودکارآمدی، کارآفرینی و انسجام خانواده در زنان سرپرست خانوار". *زن و جامعه*، سال یازدهم، ش ۴ (زمستان): ۲۸۹-۳۰۸.
- شادی‌طلب، ژاله؛ گرایبی‌نژاد، علیرضا (۱۳۸۳). "فقر زنان سرپرست خانوار". *زن در توسعه و سیاست (مطالعات زنان)*، دوره دوم، ش ۱ (بهار): ۴۹-۷۰.
- شادی‌طلب، ژاله؛ وهابی، معصومه؛ ورمزیار، حسن (۱۳۸۴). "فقر درآمدی فقط یک جنبه از فقر زنان سرپرست خانوار". *رفاه اجتماعی*، دوره چهارم، ش ۱۷ (تابستان): ۲۲۷-۲۴۷.

- شریفی، محمدامین، و دیگران (۱۳۸۹). "تعیین عوامل مؤثر در تحقق خودکفایی زنان سرپرست خانوار (مطالعه موردی: استان کردستان)". *مطالعات اجتماعی- روان‌شناختی زنان (مطالعات زنان)*، دوره هشتم، ش ۴ (زمستان): ۱۲۱-۱۴۱.
- شعبان، مریم؛ قوبدل، نوشین (۱۴۰۰). "ارتباط بین سبک زندگی سلامت‌محور و سلامت اجتماعی زنان سرپرست خانوار حاشیه‌نشین شهر کرج". *مجله دانشگاه علوم پزشکی البرز*، سال دهم، ش ۲ (بهار): ۱۹۶-۲۰۸.
- شکوری، علی؛ سعیدی، علی‌اصغر (۱۳۹۳). "فقر خانواده و زنان شهری (با تأکید بر کلان‌شهر تهران)". *مطالعات جامعه‌شناختی شهری*، دوره چهارم، ش ۱۰ (بهار): ۷۳-۱۰۸.
- عابدی دیزناب، محدثه؛ عباسی، محمد؛ علی‌مندگاری، ملیحه (۱۳۹۷). "مطالعه تطبیقی ویژگی‌های زنان و مردان سرپرست خانوار به تفکیک مناطق شهری و روستایی در سرشماری ۱۳۹۵". *مجله بررسی‌های آمار رسمی ایران*، سال بیست و نهم، ش ۱ (بهار و تابستان): ۹۵-۱۱۳.
- عباس‌زاده، محمد؛ بوداقتی، علی؛ اقدسی علمداری، فرانک (۱۳۹۰). "تقویت زنان سرپرست خانوار با تأکید بر راهکارهای بومی". در: *مجموعه مقالات همایش ملی توانمندسازی با رویکرد جهاد اقتصادی در کمیته امداد امام‌خیمینی (ره)*. تهران: کمیته امداد امام‌خیمینی، مرکز آموزش: ۱۳۹-۱۶۳.
- عربخانی، اسدالله؛ سیدمیرزایی، سیدمحمد؛ کلدی، علیرضا (۱۳۹۸). "تدوین مدل مفهومی توانمندسازی زنان روستایی با استفاده از نظریه داده‌بنیان (مورد مطالعه: دهستان عشق‌آباد شهرستان نیشابور)". *مطالعات فرهنگی- اجتماعی خراسان*، سال سیزدهم، ش ۳ (بهار): ۸۹-۱۱۵.
- فتحی، سروش؛ مختارپور، مهدی (۱۳۹۳). "بررسی نقش و تأثیر رسانه‌های نوین تصویری در تغییر سبک زندگی (مورد مطالعه: دانشجویان دانشگاه علوم و تحقیقات تهران)". *مطالعات توسعه اجتماعی ایران*، سال ششم، ش ۲ (بهار): ۱۰۱-۱۱۸.
- فعالی، محمدتقی (۱۳۹۴). *سبک زندگی رضوی (۱): روابط میان‌فردی*. مشهد: آستان قدس رضوی، بنیاد بین‌المللی فرهنگی - هنری.

- قربانی، محمود؛ صابر مقدم، ماهی؛ جاعرق، فرزاد (۱۳۹۱). *مدیریت منابع انسانی*. مشهد: گل آفتاب.

- قلی پور، آراین؛ رحیمیان، اشرف؛ میرزمانی، اعظم (۱۳۸۷). "نقش تحصیلات رسمی و اشتغال سازمانی در توانمندسازی زنان تهران". *زن در توسعه و سیاست (پژوهش زنان)*، دوره ششم، ش ۳ (پاییز): ۱۱۳-۱۳۲.

- قوامی، هادی (۱۳۸۵). "بررسی مقایسه‌ای زنان سرپرست خانوار خوداشتغال و زنان سرپرست خانوار دستمزد و حقوق‌بگیر در نقاط شهری ایران". *تحقیقات اقتصادی*، دوره شانزدهم، ش ۷۲ (بهار): ۲۲۷-۲۵۷.

- کردی، حسین؛ هادی‌زاده، سکینه (۱۳۹۱). "بررسی سبک زندگی زنان شاغل و غیرشاغل". *زن و جامعه*، دوره سوم، ش ۱۲ (زمستان): ۲۱-۴۲.

- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۸). *تجدد و تشخیص، جامعه و هویت شخصی در عصر جدید*. ترجمه ناصر موفقیان. تهران: نشر نی.

- میکانیکی، جواد؛ شیرزور علی‌آبادی، زهرا؛ قاسمی، فاطمه (۱۴۰۰). "تأثیر کسب‌وکارهای خانگی بر توانمندسازی زنان روستایی (مورد مطالعه: بخش مرکزی شهرستان درمیان)". *مطالعات فرهنگی-اجتماعی خراسان*، دوره پانزدهم، ش ۳ (بهار): ۱۷۹-۲۱۰.

- نازک‌تبار، حسین؛ ویسی، رضا (۱۳۸۶). "وضعیت اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی زنان سرپرست خانوار در استان مازندران". *رفاه اجتماعی*، دوره هفتم، ش ۲۷ (زمستان): ۹۵-۱۱۳.

- نجفی، مرجان؛ لسانی فشارکی، محمدعلی (۱۳۹۷). "بررسی نقش مصرف مدبرانه بر فقرزدایی از خانواده در پرتو مطالعات میان‌رشته‌ای". *مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی*، دوره دهم، ش ۳ (تابستان): ۱۷۱-۱۹۲.

- Bourdieu, p. (1984). *Distinction: A Social Critique of the Judgements of Taste*. London: Routledge & Kegan Paul.

- Chambers, Robert; Conway, G. (1992). "*Sustainable Rural Livelihoods: Practical Concepts for the 21st century*". Institute of Development Studies (UK).

- Javed, Z. H.; Asif, A. (2011). "Female Households and Poverty: A Cease Study of Faisalabad District". *International Journal of Peace and Development Studies*, Vol. 2, No. 2: 37- 44.
- Lewis, O. (1974). "*Culture of Poverty*". In: On Understanding Poverty: Perspectives from the Social Sciences. Edited by Daniel P. Moynihan. New York: Basic Books: 187-220.
- Mokomane, Z. (2014). "*Family policy in South Africa*". In: Handbook of family policies across the globe. New York: Springer. 59-73.
- Ritzer, J. (2010). *Theory of Sociology in the Contemporary Period*. Translator Mohsen Solati. Tehran: Scientific.

